

نمود فرهنگ ایران در فرهنگ و ادب اندونزی

دکتر محمّد ظفر اقبال

حال مقطع فوق لیسانس زبان فارسی به شش دوره رسیده است.

از نظر اهمیت و نفوذ زبان فارسی در این منطقه بجاست که یک تحقیق عمیق برای مشخص کردن جایگاه فرهنگ و ادب ایران در فرهنگ و ادب اندونزی که در طی قرن ها استمرار داشته به عمل آید.

هدف و اهمیت تحقیق

هدف مهم این تحقیق مشخص نمودن روابط تاریخی ایران با کشورهای این منطقه، مخصوصاً با کشور اندونزی در زمینه های مذهب، فرهنگ، تجارت، سیاست و روابط بین المللی است. حاصل تحقیق اهمیت زیادی برای هر دو کشور دارد و در تحکیم روابط هر دو کشور نقش عمده ای در بردارد. در زمینه مذهب، فرهنگ و سیاست، هر دو کشور باید خط مشی واحدی داشته باشند تا بتوانند باب تازه ای در روابط جنوب شرق آسیا بگشایند.

موضوع تحقیق

این تحقیق که موضوع آن «نمود فرهنگی ایران در

جامعه الاسلامیة الحکومیة شریف هدایت الله جا کارتا اندونزی

الله المشرق والمغرب

شرق و غرب در قدرت خداست

مقدمه

سپاس خدای را و سلام و درود بر پنج تن پاک آل عبا. اینجانب تلاش خود را برای شناساندن زبان و ادبیات فارسی در اندونزی از سال ۱۹۸۰م. آغاز کرده ام. بعد از کوشش فراوان در سال ۱۹۸۷م. برای رشته زبان فارسی سرفصل هایی تهیه نمودم. به یاری خداوند بزرگ، کلاسهای فارسی از ماه فوریه ۱۹۸۸م. برای مقطع فوق لیسانس در دانشکده ادبیات دانشگاه دولتی و اسلامی شریف هدایت الله جا کارتا دایر شد. در طول تاریخ تنها این دانشگاه است که برای اولین بار در همه جنوب شرق آسیا و اندونزی کلاسهای فارسی را دایر کرده است. درس فارسی در طول هفته به مدت چهار ساعت در هر کلاس تدریس می شود. تا

فرهنگ و ادب اندونزی» است. دارای اهمیت در همه زمینه های یاد شده، و سابقه روابط ایران با این منطقه، خصوصاً اندونزی در قرن های متمادی است.

روش تحقیق

در این تحقیق اصول علوم انسانی و تاریخی در کار خواهد بود. همه رویدادهای فرهنگی و سرگذشت های تاریخی از نظر علم ترتیب تاریخی یا تاریخ نویسی؛ یعنی: «چه، کجا، که» ترتیب داده خواهد شد که براین ابواب مشتمل خواهد بود:

۱- روابط ایران با شرق دور و جنوب شرق آسیا در طی قرن ها

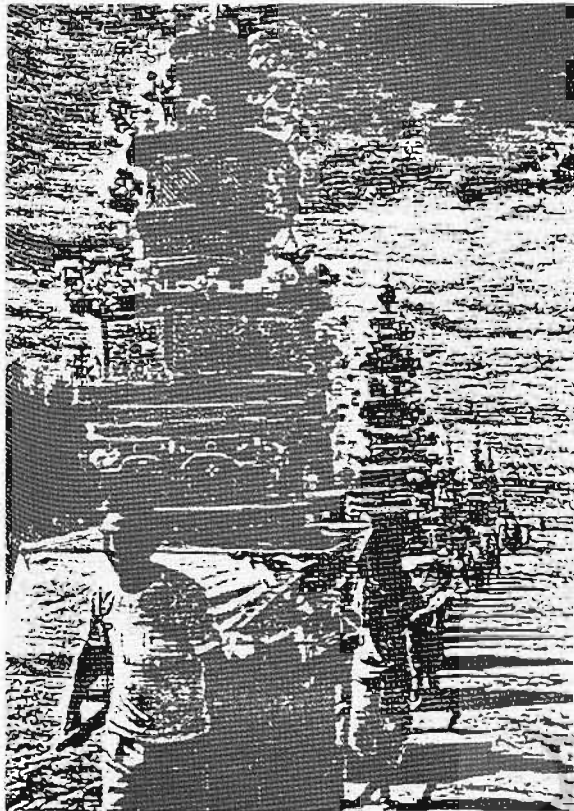
این باب مشتمل بر توضیحاتی در مورد روابط تجاری - فرهنگی ایران با این منطقه است. در زمانهای قدیم بازرگانان و ملاحان ایرانی در بازرگانی بین المللی رفت و آمد بین شرق و غرب سهم عمده ای داشته اند. رواج فراوان واژگان یا توضیحات بازرگانی و بندری زبان فارسی در نواحی دریای این منطقه بهترین دلیل براین مدعاست. در این خصوص می توان به الفاظ مشترک دو فرهنگ؛ مثل بندر، ناخدا... و غیره اشاره کرد.

۲- سهم مبلغان و علمای ایران در گسترش اسلام در اندونزی

این باب سهم مبلغان و علمای اسلامی ایران در گسترش اسلام در این منطقه را آشکار خواهد کرد. تاریخ نشان می دهد که بیشتر فرمانروایان حکومت های اسلامی در سوماترا شیعه بوده اند. تعدادی از علمای ایرانی نیز در دربارهای آنجا صاحب منصب بوده اند. زمانی بود که میننگکیا و سوماترا غربی، یک دولت قدرتمند و ثروتمند شیعه بود. اولین مبلغ اسلامی که به جاوه آمد، حضرت مولانا ملک ابراهیم کاشانی بود.

۳- آثار ایران در فرهنگ اندونزی

این باب اثر ایران در زمینه تصوف، گروه های روحانیون و رسومات ایران را که در این منطقه رائج شدند روشن خواهد نمود. تاریخ روشن می کند که در سوماترا و جاوه تصوف مشهور ایرانی «وحدت الوجود» به چشم می خورد. القاب ایرانی دربارگاه های شاهان سوماترا، جاوه و مالوکو به کار برده می شد؛ مثلاً، شاه، سلطان و غیره. رسومات شیعه (یعنی، برگزاری روزه های محرم الحرام) در سوماترا و جاوه رواج داشته است.



تاریخ

۴- آثار ایران در ادبیات اندونزی

این باب آثار و نفوذ فرهنگ و ادبیات ایران را در ادبیات اندونزی مشخص خواهد کرد. در زبان اندونزی بیشتر واژگان فارسی رائج اند. ادبیات کلاسیک ایران در قالب حکایت های اسلامی به زبان اندونزی ترجمه شده است. هم اکنون بعد از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۶۹م. یک موج تازه ای از افکار و ادبیات اسلامی ایران در افکار و ادبیات اندونزی نفوذ کرده است.

۵- نتیجه

این باب همه حقائق را بطور خلاصه بیان خواهد کرد و یک تصویر روشن از آثار ایران در فرهنگ و ادبیات اندونزی را نشان خواهد داد.

منابع تحقیق

- ۱- کتاب های قدیمی و تحقیقی که منبع اصلی آن از ایران است.
- ۲- همه کتاب هایی که از زبان فارسی به زبان اندونزی ترجمه شده اند مثل کتاب های داستان و حکایات.
- ۳- تحقیق نظری؛ برای دریافت حقیقت نفوذ فرهنگ ایرانی مخصوصاً برگزاری مراسم عزاداری در ایام محرم

انحراف می توان در نوحی مختلف اندونزی از جمله در سوماترا، جاوه، مانوکو به تحقیق پرداخت.

فهرست مطالب

پیش‌گفتار (مقدمه)

باب اول روابط قدیمی ایران با شرق دور و جنوب شرق آسیا

۱.۱. روابط فرهنگی.

۲.۱. روابط بازرگانی.

باب دوم نقش ایرانیان یا سهم مبلغان و علمای ایران در گسترش

اسلام در اندونزی

۱.۲. ورود اسلام به اندونزی.

۲.۲. سهم مبلغان ایرانی در گسترش اسلام در اندونزی.

۳.۲. حضور عمدا و دانشمندان ایرانی در دربارهای

حکام مسلمان اندونزی.

۴.۲. نفوذ و پیشرفت مذهب شیعه در میننگکباو،

سوماترای غربی.

۵.۲. فرمانروایان شیعه اندونزی.

باب سوم آثار ایران در فرهنگ اندونزی

۱.۳. تاثیر تفکرات و تصوف اسلامی ایران در تصوف

اندونزی.

۲.۳. پیشرفت «وحدت الوجود» و تفکرات منصور

حلاج در سوماترا.

۳.۳. پیشرفت «وحدت الوجود» در جاوه.

۴.۳. سلسله های صوفیانه در ایران و اندونزی.

۵.۳. رواج القاب و رسومات ایرانی در اندونزی.

۶.۳. برگزاری مراسم محرم الحرام در اندونزی.

۷.۳. اثر و نفوذ انقلاب اسلامی ایران در فرهنگ

اندونزی.

باب چهارم آثار ایران در ادبیات اندونزی

۱.۴. اصطلاحات فارسی در زبان اندونزی.

۲.۴. اصطلاحات فارسی در شعر و نثر اندونزی.

۳.۴. اثر شعر فارسی در شعر اندونزی.

۴.۴. اثر نثر فارسی در زبان اندونزی.

۵.۴. ادبیات باستانی ایران که در زبان اندونزی ترجمه

شده اند.

۱.۵.۴. حکایت نور محمد.

۲.۵.۴. حکایت معجزات نبی (ص).

۳.۵.۴. حکایت درباره تربیت علی یا نبی (ص).

۴.۵.۴. حکایت درباره وفات نبی (ص).

۵.۵.۴. حکایت امیر حمزه.

۶.۵.۴. حکایت کلبله و دمنه.

۷.۵.۴. حکایت سلمان دری (بیان بودی مان).

۸.۵.۴. بختیار نامه.

۹.۵.۴. سند بادنامه.

۱۰.۵.۴. کتاب تاج السلاطین.

۱۱.۵.۴. کتاب هزار مسائل



برک

۱۲.۵.۴. حکایت محمد حنفیه.

۱۳.۵.۴. حکایت سلمان فارسی.

۱۴.۵.۴. حکایت علی (ع).

۱۵.۵.۴. حکایت فاطمه (ع).

۱۶.۵.۴. طوطی نامه.

۱۷.۵.۴. اثر انقلاب اسلامی در ادبیات کنونی

اندونزی.

آثار ایران در فرهنگ و ادب اندونزی

از قرن ها پیش، ایران در معاملات دنیا سهم عمده داشته

و دارد. این سرزمین نه تنها مهد پرورش امام خمینی است که

انقلاب بزرگ اسلامی - بزرگ ترین انقلاب در جهان - را

برپا نمود بلکه هزاران نفر دیگر از دانشمندان و دانشوران

بی همتا را در خود پرورده است. کسانی همچون حافظ،

سعدی، جلال الدین مولوی، جامی، سنایی و غیره که

نوشته های آنها یا افکار آنها در فرهنگ همه دنیا اثر

جاودانی گذاشته است. نام این اشخاص در اوراق تاریخ دنیا

می درخشد.

ایرانیان در طول تاریخ در بیشتر رشته های فرهنگ و

ادب و علوم دنیا سهم عمده ای را به خود اختصاص داده اند

و به خوبی از عهده برآمده اند. پیشرفت ایرانیان در قبل از اسلام در علوم و فرهنگ و ادب، بارز و نمایان است؛ لیکن اکنون این تلاش به نام یونانیان و بابلیون و اهل هند نام برده می شود. و بعد از ظهور اسلام بیشتر این سعی و تلاش به عرب ها نسبت داده می شود چرا که ایرانیان زبان عربی را در نوشته ها و شاهکارهای علمی خود به کار برده اند. تاریخ نشان می دهد که یونانیان، اهل ایران را در علوم، استاد و پدر خود می شناسند؛ مثلاً، یونانیان زرتشت را بعنوان پدر تمام علوم می شناسند. دین یهودی و نصرانی قبل از ظهور اسلام بیشتر مفاهیم خود را از ایرانیان گرفته بودند؛ مثلاً آیین زردشتی و آیین مانی ایران تأثیر زیادی بر ادبیات کهن اروپا، آفریقا و آسیا داشته است مثلاً آبوریحان بیرونی یکی از دانشمندان بزرگ دنیا بود و زکریا رازی را



تاریخ ایرانی در ظهور اسلام

بعنوان پدر علم کیمیا می شناسند. کتابهای پزشکی و کیمیا از رازی و ابن سینا به زبانهای مختلف اروپا ترجمه شده و در برنامه درسی دانشگاههای اروپا جای داده شده بود. خوارزمی، شاخه جبر ریاضی را مطرح کرد و آنرا گسترش زیادی داد. نصیرالدین طوسی در رشته فلکیات انقلاب بزرگی بپا نمود.

ایران برای قرن ها مرکز ادب و فرهنگ و علوم و نشان دهنده راه ها در تمام رشته های علوم بوده و الگوی علمی اروپا و آفریقا و آسیا بشمار می رود. در دوره ای خاص قفقاز و هند مغولی کاملاً تحت تأثیر فرهنگ ایران قرار گرفته بودند.

ایرانیان همیشه صوفی مسلک و متفکر، صابر و قانع و خوب و با صداقت بوده اند. در مراسم و میهمان نوازی ها، لطف و سادگی، محبت و احترام برای هم نوع، بردباری و

دلیری مانند ندارند. به همین خاطر است که آنها در فرهنگ دنیا جای مخصوصی دارند.

اثر عمیق فرهنگ ایران در فرهنگ و ادب چین و شرق دور و جنوب شرق آسیا به وضوح دیده می شود. در اواسط قرن دوم قبل از میلاد مسیح (ع) در زمان مهترا اول، سلطنت ایران قدیم مشتمل بر بلخ، بابل، سوسیان، میدا و فارس؛ یعنی از دریای خزر تا خلیج فارس بوده است. در زمان مهترا دوم در ۱۲۳ تا ۸۷ ق.م. سلطنت ایران همکاری با چین و روم را آغاز کرد. کتاب مقدس اوستا در زمان اردشیر و شاه پور اول نوشته و توضیح داده شده بود. در آن زمان دیگر مذاهب هم در ایران احترام و جایگاه خاصی داشتند تا آنجا که خسرو دوم، همسر نصرانی داشت و نامش شیرین بود. یکی از سبب های عمده گسترش تأثیر فرهنگی ایران در فرهنگ و ادب شرق و غرب این است که ایران بر سر راه های مهمی بین شرق و غرب قرار داشته است.

نقش و نگار بودا بر روی دیوارهای کلیساهای بامیان در افغانستان، و پاره های نقش و نگار از کتاب مانی در کلیساهای کوچو در ترکستان چین دیده می شوند که تأثیر ایران را در آسیای مرکزی نشان می دهند. کلیساهای نستوریان که به نام «کلیساهای فارسی» نامیده می شوند، در چین وجود داشتند. راهبان ایرانی، ابریشم را از ختن به جستان آورده بودند.

بعد از ورود اسلام در ایران هنر و تفکرات و فرهنگ فارسی با روحی تازه و مقدس زیسته است. آثار ایران به آسانی از روم تا شرق دور یعنی از استانبول تا شنگهای دیده می شوند. عجیب نیست که پیامبر اسلام حضرت محمد (ص) درباره ایرانیان فرموده اند:

لَوْ تَعَلَّقَ الْعِلْمُ بِأَكْنَافِ السَّمَاءِ لَتَأَنَّهُ قَوْمٌ مِنْ أَهْلِ فَارَسٍ (حدیث) اگر دانش در گوشه ای از آسمان باشد برخی از ایرانیان بدان دست خواهند یافت.

تجارت و بازرگانی

ایران یکی از مهم ترین مراکز تجاری بین المللی بین شرق و غرب بوده است. از زمانهای قدیم ایران از طریق راه های عمده به روم متصل بوده است. پادشاه هخامنشی، داریوش کبیر کوشش فراوانی در ایجاد مهمترین مرکز بازرگانی و دریایی در ایران کرده بود. تجارت کاروانان بین شرق دور و اروپا از راه ایران انجام می شده است. در

زمانه‌های قدیم، ایران بین هندوستان و شرق دور رابطه بازرگانی مستقل ایجاد می‌کرد. در زمان قدیم پادشاه چین از سلطنت «هان» یک گروه زیر نظر چنگ کیان به ایران فرستاد. این گروه درباره زراعت و خط نویسی اطلاعات زیادی را بدست آورد. اطلاعاتی که آنها به دست آوردند این بود که در ایران کثابت، روی چرم و از راست به چپ انجام می‌شود. در حالی که آن در چین از بالا به پایین انجام می‌شد. با این ویژگی‌ها این گروه، بازرگانی کاروانی را از ترکستان چین بین ایران و چین گسترش دادند. و بعدها این جاده را جاده ابریشم نامیدند. این راه از چین از طریق ترکستان چین، سنگکیانگ، بلخ تا مرو یعنی از راه طارم و بعد از آن از دامغان و همدان به سلوکیه و تیسفون که در آن زمان پایتخت سلطنت ایران بود، می‌رسید. و بعد از سلوکیه دو راه به سمت غرب یعنی به طرف سوریه کشیده می‌شد.

ایران و چین شوق زیادی در بازرگانی میوه داشتند. ایران هلو و زردآلو از چین، و چین از ایران انار وارد می‌کرد. ایران، شتر عرب به بلخ و اسب تازی به چین و شتر مرغ از بابلیان که «مرغ ایران» نامیده می‌شد به آنجا صادر کرد.

تاریخ حاکی است که اسب تازی، اسکندر مقدونی را بقدری متأثر نمود که وی برای دیدن این اسب‌ها در کوه‌های زاگرس راه خود را تغییر داد. اضافه بر این، ایران ابریشم و آهن هم از چین وارد می‌کرد. ثروت شهرهای هاترا، دورا و پالمیرا حاکی از آن است که تجارت زیادی بین شرق دور و آسیای غربی از طریق ایران انجام می‌شده است.

اضافه بر این تجارت مطلوبی در کالاهای ادویه، جواهر و اشیاء ساخته شده از عاج فیل و چیزهای تجملاتی نیز بین ایران و روم بوده است. ادویه عموماً از جنوب شرق آسیا می‌آمد و چیزهای مهمی که از شرق دور می‌آمد مثل ابریشم بود که تنها چینیان در کشت آن ماهر بودند. ابریشم از چین تا روم از طریق تاجران ایرانی و از راه ایران رسانده شد که نشان می‌دهد تجارت کاملاً در دست تاجران ایرانی بوده است.

تاریخ باستان و تاریخ تجارت دریایی و کشتی رانی نشان می‌دهد که ایران روابط خیلی محکمی با جنوب شرق آسیا و شرق دور داشته. تاجران ایرانی مسؤولیتهای مهمی در بندرهای عدن، بروج، کمیابت، سورت، دیو، مالاکا،

باتن، پالمبانگ و بندرهای چین داشتند. آنها در تجارت بین المللی در کالاهای گوناگونی سهم داشتند و محدوده کارشان از شرق دور تا هرمز در خلیج فارس بود کالاهای تجاری مهم آن زمان، پنبه، منسوجات، نفت، دواجات، ادویه، کافور و طلا بود. تعداد زیادی از تاجران ایرانی در بنادر اندونزی زندگی می‌کردند.

سلطنت سری و جایا با ایران روابط تجاری خیلی محکمی داشت. تاجران ایرانی منسوجات و چیزهای از بلور و عطریات را از ایران بیشتر به پایتخت سری و جایا که پالمبانگ است، می‌بردند. در روابط تجاری تاجران ایران از قرن‌ها پیش به جاوه رفت و آمد می‌کردند. در زمانه خلیفه عباسی، هارون الرشید (۷۸۶-۸۰۹م) بیشتر کشتیهای جاوه به خلیج فارس رفت و آمد داشتند.

علاوه بر کالاهای یاد شده، فرمانروایان جاوه اسب‌های ایران را خیلی دوست داشتند. در فرو و شگاه مرکز در سلطنت اسلامی باتن ایرانیان جواهرات و عطریات و ادویه و دواجات می‌فروختند.

در اواخر قرن ۱۵م. بیشتر تاجران ایرانی در بندرهای اندونزی و کشورهای دیگر جنوب شرق آسیا سکونت می‌نمودند. در تجارت آسیای مالاکا، تاجران ایرانی سهم زیادی داشتند. مراکز تجاری ایرانیان در این منطقه به نام «پاکوجان»-بازار ایران- شناخته می‌شد. سکه‌های تجاری ایران در مراکز تجاری بین المللی اندونزی بکار برده می‌شد. هر سال تاجران ایران و هند و عرب ۱۶۰ تن کالاهای تجاری از بنادر چینی به بنادر خاورمیانه می‌بردند. قبل از این که مالاکا در سال ۱۵۱۱م. به دست پرتغالیها بیفتد، ایرانیان در این شهر کوچ نشین شده بودند.

در اوائل قرن ۹ میلادی بندر ایران «سیراف» بندر بین المللی شناخته می‌شد. برای تجارت با هند، سند، سریلانکا، مالایا، اندونزی و چین دو تاجر و ملاح معروف به نام‌های سلیمان التاجر و ابو زیاد به شرق دور سفر نموده و اطلاعاتی را به جا گذاشته اند آن دو اهل «سیراف» بودند. بنا به قول سلیمان کشتی‌های با بار تجاری از سیراف به چین می‌رفتند. تاریخ حاکی است که کشتیان ایرانی اولین بار در سال ۶۷۱م. به چین رسیدند. یک راهب چینی از ناحیه ینگ چاو در سال ۷۲۸م. درباره کوچ نشینی مسلمانان خبر می‌دهد. در جزیره «های نان» در قرن دهم میلادی تعداد

زیادی از تاجران ایرانی در نواحی دریایی مالایا سکونت داشتند.

در جنوب تایلند در اواسط قرن ۱۴ میلادی شهری که تا قرن ۱۸ میلادی وجود داشته که به نام فارسی «شهر نوی» نامیده می شود؛ مثل شهر توکه در ایران بوده است. قبل از ورود ایرانیان نام این شهر «آیوتیا» بود. استاد دریانوردی شهاب الدین احمد بن مجید در کتابش که درباره دریاشناسی است «حوایات والاختصار فی البحار» نوشته شده در سال ۱۴۶۲م. درباره شهر نوی توضیح داده است. در باب راه های دریایی به چین، سلیمان بن احمد المهری (متوفی در سال ۱۵۵۳م) هم در نوشته های خود درباره شهر نوی مطالبی دارد. تا ۱۷۴۰م. شهر نوی در نقشه های اروپایی بی چشم می خورد. همچنین شهر نوی در کتاب مطلع السعدین نوشته عبدالرزاق سمرقندی هم نشان داده شده است. جمعیت ایرانیان در شهر نوی زیاد بود. گفته می شود که یک شهری به همین نام در آذربایجان نزدیک شهر مراغه در ایران بوده و این شهر مرکز مهم تجارت بود. گمان می رود که شهر نوی در تایلند از همین عنوان گرفته شده باشد.

جمعیت ایرانیان و فرهنگ ایرانیان در شهر نوی خیلی نمایان و آشکار بود. بیشترین تجارت در این شهر در دست ایرانیان بود. در خرید و فروش در این شهر سکه طلائی ایران (اشرفی) بکار برده می شد. آن زمان جمعیت این شهر ۳۰۰۰ نفر بوده است.

سهم عالمان ایران در گسترش اسلام در اندونزی

اندونزی بزرگ ترین مجمع الجزائر در دنیا و مشتمل بر ۱۳۶۷۷ جزیره کوچک و بزرگ می باشد. جمعیت اندونزی ۱۸۲ میلیون نفر است که حدود ۸۷٫۱ درصد مسلمان هستند. اندونزی مشتمل بر ۲۷ استان است و پایتخت آن شهر جاکارتا می باشد.

اسلام در اندونزی توسط مبلغان عرب و فارس معرفی شد. اولین سلطنت اسلامی «پرلاک» را در سوماترا مولانا عبدالعزیز در سال ۸۴۰م. بنیان نهاد. اولین مبلغ اسلام در جاوه حضرت مولانا ملک ابراهیم کاشانی بود که در سال ۱۳۹۹م. به جاوه وارد شد و در شهر گریسک، جاوه شرقی زندگی می کرد. وی در سال ۱۴۱۹م. رحلت کرد. اولین سلطنت اسلامی در جاوه مرکزی سلطنت دیماک بود. این سلطنت را سلطان رادین فتح در سال ۱۴۷۸م. تأسیس کرد.

در گسترش اسلام علاوه بر تاجران، مبلغان ایرانی هم سهم زیادی داشتند. بر طبق سجازا ملایو (تاریخ ملایو) پادشاه، مالاکا، سلطان علاء الدین رعیت شاه پسرش را حکمران بندر پاریمان نمود. او اولین بار مذهب شیعه را در پاریمان گسترش داد. و در آن جا دانشگاه اسلامی را برپا نمود. وی بسیار فعال بود و به نام شیخ برهان الدین شناخته می شد. پادشاه بزرگ از ناحیه میننگکباو با توصیه شیخ برهان الدین در سال ۱۵۸۱م. اسلام را قبول کرد و سلطان محمدالف نامیده شد. بعد از این در میننگکباو اسلام سرعت گسترش یافت.



تاجران با شخص برگزیده اندونزی

بیشتر شاهان آچه شیعه بودند و برای پیشرفت اسلام در میننگکباو پشتیبانی های زیادی کردند. اکنون در ماه صفر تعداد زیادی از مشتاقان اسلام از نقاط مختلف میننگکباو به مزار حضرت برهان الدین می روند چنانکه شیعیان برای زیارت به نجف و کربلا می روند. گفته می شود که نظامیان فاطمی از مصر مذهب شیعه را به میننگکباو آوردند و بر این منطقه بیش از دوپست سال (۱۱۲۸-۱۳۳۹م.) حکومت کردند.

زمانی در میننگکباو یک سلطنت اسلامی شیعه ثروتمند وجود داشت. در اوائل قرن ۱۹م. جمعیت زیادی از شیعیان میننگکباو در جنگ پادریان به شهادت رسیدند. بعد از سال ۱۸۲۴م. یک جمعیت اندک در نواحی دریای میننگکباو زندگی می کردند. بیشتر این افراد در نزدیک شهر پاریمان زندگی می کردند.

تاجران ایرانی هم اسلام را در سلطنت ریباو به آنجا بردند. زمانی که یک گروه ۳۵ نفری از تاجران ایرانی که با یک کشتی از راه سریلانکا در سال ۸۱۷م. به پایتخت

سلطنت سری و جایا، پالمبانگ، پانهاند و به مدت هه‌ماه در آن محل سکنی گزیدند و در همین مدت اسلام را معرفی کردند. و بعد از آنجا به چین مسافرت نمودند. علاوه بر این تاجران ایرانی، در جاوه مرکزی هم اسلام را معرفی کردند. سلطان سلطنت اسلامی دیماک در جاوه مرکزی در آن زمان رادین فتح بود که به نام «شاه عالم اکبر» هم شناخته می‌شد. این مطلب بیانگر آن است که تاثیر ایرانیان در آنجا بیش از پیش بوده است.

سلطنت قدیمی «مالوکو» که بر چهار حکومت کوچک دیگر مشتمل بود. یعنی: ترناتی، تدوری، باچن و جلیلو بعد از ورود اسلام در مالوکو به نظر می‌رسد که فرمانروای این چهار سلطنت یکی از افراد اهل بیت یعنی از خاندان امام جعفر صادق، امام ششم شیعیان بود. گفته می‌شود که این سیدزاده در دهم محرم الحرام ۴۷۰ هـ. به مالوکو تشریف آورد. تاجران ایرانی برای تجارت ادویه، مسؤولیتهای مهمی در سلطنت مالوکو داشتند.

در ناحیه آنچه اولین مذاهب اسلامی که مورد قبول واقع شدند شیعه و شافعی بودند. در سال ۵۸۲ هـ. (۷۱۷ م.) طی یک سفر دریایی، ۳۳ کشتی ایران که زیر نظر ناخدا زاهد از راه آنچه به چین می‌رفت، اسلام را در سلطنت پرلاک معرفی کرد. در سلطنت پرلاک مذهب شیعه گسترش پیدا کرد. بنابه گفته یک نویسنده ایرانی به نام هاشم بیگ فزونی استرآبادی که در کتابش «بحیره» نوشته است که فرمانروای آنچه فردی از خاندان سادات نجف بود، او اینجا آمده و سلسله حکومت سیدان را بنا نمود. بعد از آن، این سلسله تا جاوه گسترش یافت و در آنجا پنج دوره فرمانروایی کرد.

حقایق بالا حاکی از آن هستند که شیعیان طرفدار اهل بیت در گسترش اسلام در اندونزی سهم عمده ای دارند. مطابق با تاریخ سلسله شاهان برونی (Brunei) مبلغانی که آنجا رفتند، اکثر آنها سادات از خانواده شرفا بودند که در گسترش اسلام در فیلیپین کوشش زیاد نمودند و روابط محکم با فرمانروایان جزائر فیلیپین داشتند. تاریخ «سارواک» در مالزی شرقی حاکی از آن است که سلطان برکت در سارواک از خاندان حضرت امام حسین ابن علی (ع) بود. مطابق با قصه کتاب چریتاپروا کاپاروبان نگری در سلطنت اسلامی چری بون تعدادی از تاجران ایرانی بودند.

وجود عالمان ایرانی در اندونزی

عالمان ایرانی و تاجران نه تنها در تجارت بین المللی و گسترش اسلام در اندونزی سهم زیادی داشتند بلکه مسؤولیتهای مهمی در سلطنت های اسلامی اندونزی به عهده داشتند. از زمان های قدیم علماء سنی و شیعه ایرانی اینجا می آمدند و اکثر آنها در قرن ۱۵ م. به آنجا آمدند. چندتن از آنها در آنچه دفن شده اند. یکی از ایرانیان که در مذهب شافعی بود. نامش حضرت سیدشریف شیرازی بود. او در «سلطنت پاسی» در دوران فرمانروایی سلطان ملک الظاهر، قاضی بود. در زمان ملک الظاهر دوم (۱۱۲۶-۱۳۴۸ م.) از سلطنت پاسی ابن بطوطه به عنوان سفیر سلطان دهلی به چین رفت و از سلطنت پاسی دیدن کرد. او حکایت می کند که در دربار سلطان پاسی دو ایرانی وجود داشتند. یکی از شیراز و دیگری از اصفهان بود. شخصی که از اهالی شیراز و سید هم بود منصب قاضی القضاة سلطنت اسلامی پاسی را به عهده داشت.

بیشتر بزرگان اندونزی از خاندان اهل بیت بودند؛ یعنی نواده های رسول (ص) بودند. برای مثال سنن قدس در شهر قدس جاوه مرکزی از نواده های امام جعفر صادق (ع) بود. سنن گتنگ جاتی یعنی حضرت شریف هدایت الله (مؤسس سلطنت اسلامی چری بون) که از نواده های حضرت امام علی (ع) بود. او در پاسی متولد شد و در مکه درس خواند و بعد به «سلطنت اسلامی دیماک» در جاوه مرکزی رسید. و بعد سلطنت اسلامی چری بون در جاده غربی را بنیان نهاد. بعد از آن سلطنت اسلامی باتن را هم بنیان نهاد و جا کار تا را در سال ۱۵۲۷ م. فتح کرد؛ مقبره ایشان در شهر چری بون در جاوه غربی است.

در سوماترای شمالی آرامگاه یکی از دانشمندان ایرانی به نام سید شریف خیرابن امیر علی استرآبادی متوفی در سال ۵۸۳۳ هـ. می باشد.

آرامگاه نائینا حسام الدین متوفی در سال ۱۴۲۰ م. نیز هست که بر بروی سنگ قبر آن شعری وجود دارد که گمان می رود مضمون آن از سعدی باشد:

سالها گذشت روی مزار ما آب فواره فشارید و باد صبا وزید
یک لحظه است عمر انسان، چزاروی مزار دیگران باغورومی گذریم

آثار فرهنگ ایران در فرهنگ اندونزی

به آسانی می توان پی برد که فرهنگ ایران در فرهنگ

اندونزی اثر زیاد به جا گذاشته است. این امر حاکی از آن است که روابط ایران و اندونزی از زمان های قدیم پا برجا بوده است.

سلسله روحانیون «ستاریه» که در اصل شیعه بود در پاریمان (میننگکباو) به توسط شیخ برهان الدین معرفی شد. به خاطر احترام و پاس از خدمات شایسته دینی حضرت شیخ برهان الدین، هر سال در روز ۱۵ ماه صفر مردم از نقاط مختلف سوماترای غربی (میننگکباو) جهت زیارت به آرامگاه ایشان می آیند همانگونه که شیعیان به زیارت تربیت حضرت علی (ع) در نجف و سید الشهداء امام حسین (ع) به کربلا می روند.

هر ساله در نواحی مختلف اندونزی مراسم عزاداری در روزهای محرم الحرام مطابق مراسم شیعیان برگزار می شود. این مراسم در پاریمان، پادانگ پایتخت سوماترای غربی، بنکولوه و پیدی در آچیه و در جاوه در شهر تگرسیک، یایون وانگی و در دیگر شهرهای جاوه مرکزی برگزار می شود. در زبان جاوه محرم الحرام را «بولان سورو» یعنی ماه عاشورا می نامند. و در ناحیه آچیه در سوماترا ماه محرم الحرام را «بولان حسن و حسین» می نامند. در سوماترای غربی (میننگکباو) ماه محرم الحرام را «بولان تابویک» (ماه تعزیت یا تابوت) می نامند.

در ایام الله محرم الحرام در بعضی از نقاط اندونزی مردم غذای مخصوص امام حسن و امام حسین می پزند و در بین مردم تقسیم می کنند. این غذا را که مثل آش ایرانی است در جاوه «بوبر سورو» می نامند. در ناحیه آچیه مردم این غذا را «کائچی عاشورا» می نامند. این غذا را از لوبیاهای مختلف و میوه های مختلف تهیه می کنند. در ناحیه آچیه، ده روز اول محرم الحرام را روزهای محترم می دانند و در این ده روز ازدواج، مسافرت، کشت و کار و دیگر مسائل مهم را تعطیل می کنند.

در پاریمان مردم مراسم تابوت برگزار می کنند. از اول محرم الحرام تا دهم محرم الحرام این مراسم پابرجاست که همه مردم در این مراسم شرکت می کنند. این امر آنقدر ریشه دار است که اگر یک شخص در روز دهم محرم همسر خود را به این مراسم نبرد، در بین ایشان اختلاف و مشاجره می شود و اختلاف گناه به طلاق می کشد. در این مراسم بچه های نوجوان از همه نواحی میننگکباو به اینجا می آیند

و به خاطر اعتقاد خاص به این روز محترم بهاء زندگی خود را انتخاب می کنند.

تابوت نوعی بنا می باشد که آن را بصورت زیبا آرایش کرده اند. این بنا بشکل یک اسب بالدار است که آن را براق یعنی اسب امام حسین می دانند، و آنرا از چوب و کاغذهای رنگین آرایش می کنند. سر این اسب مثل سر انسان می باشد و دارای دو بال است. این بنا را متخصصین این کار تهیه می کنند. در این بین ممکن است هزینه تهیه و تزئین این بنا به مبلغ ۱۵۰۰ دلار امریکایی برسد.

در پاریمان مراسم تابوت به این گونه است که از اول محرم الحرام با بیرون آوردن گلی از رودخانه در نیم شب شروع می شود. و این گل را در کوزه ای ریخته و روی آن را با پارچه سفیدی می پوشانند. این جمع کردن اعضای مطهر امام حسین بعد از شهادت را نشان می دهد. این کوزه را «دراگاه» (درگاه یا بارگاه) می نامند. یعنی مزار امام حسین (ع). در روز ۵ محرم الحرام تنه درخت موزی را با یک ضربه شمشیر قطع می کنند که نشان دهنده ذبیری حضرت قاسم (ع) در میدان کربلا می باشد. در روز ۷ محرم الحرام «پنجا» (پنجه - دست) امام حسین را، و در روز ۹ محرم الحرام عمامه امام حسین را که از پارچه سفیدی است، در کوی و برزن شهر می چرخانند. در روز دهم محرم الحرام برگزاری این عزاداری ها به اوج خود می رسد. در این روز درگاه، پنجا، دستار (عمامه) و چیزهای دیگر که حاکی از میدان کربلا است. بر روی دوش مردم در دسته های بزرگ در کوچه ها به عنوان عزاداری که توأم با گریه و زاری و فریاد حسین! حسین! است می چرخانند. در وقت غروب تابوت را روی آب دریا می اندازند که این عمل حاکی از آن است که براق امام حسین به آسمان پرواز کرده و به حضرت علی ملحق می شود، و به بهشت می رسد. این مراسم با فریاد یا علی یا علی، یا حسین یا حسین به پایان می رسد.

تاثیر سلسله روحانیون ایران و فلسفه عقیده آن در سلسله روحانیون اندونزی به وضوح دیده می شود. در سلطنت اسلامی «پاجانگ» جاوه مرکزی عقیده شیعیان که «نور محمد» می باشد یعنی که پیامبر نور خدا بود، گسترش یافت. مفهوم و تصور از دوازده امام شیعه نیز در این محل توسعه یافته بود. مردم بر این هم معتقداند که امام دوازدهم شیعیان حضرت حجة بن الحسن العسکری در زمان آخر بعنوان امام

مهدی ظهور خواهند کرد که «راتو عادل» یعنی نجات دهندۀ دنیا خواهد شد. پادشاهان جاوه را «قطب» (یعنی مآل بند) یا «پاکو» یعنی بنیاد دنیای منی شناسند و گمان دارند که نور محمد به وسیله شان نمودار خواهد شد. بنابر همین، پادشاهان جاوه «سنن» یعنی اولیاء الله شناخته می شوند. در جاوه تعداد ۹ نفر از بزرگترین اولیاء الله که آنها «ولی سونگو» (نُه اولیاء) دانسته می شوند، وجود دارند.

در سلسله حکومت سلطان علاء الدین منصور شاه در سلطنت اسلامی «دارالسلام آچیه» (۱۵۸۱-۱۵۸۷م) شیخ عبدالخیر ابن حجر، سلسله روحانیون «وحدة الوجود» را بنیان گذاشت. این سلسله روحانیون را شیخ حمزه فسنوری که اولین شاعر و صوفی ملایا و اندونزی می باشد، ترویج و گسترش داد. مرید وی حضرت شمس الدین سوماترانی این سلسله روحانیون را بعد از حمزه فسنوری ادامه داد. در آن زمان شیخ محمد یامین از مذاهب سنی یکی دیگر از سلسله های روحانیون «وحدة الشهود» را که از مکه به آچیه آوردند معرفی کرد. این سلسله روحانیون را شیخ نورالدین اررانیری و مریدش شیخ عبدالروف السنکلی (از شهر سنکل) گسترش داد. سلسله روحانیون «وحدة الوجود» به اندونزی از راه مذهب شیعیان وارد شده بود.

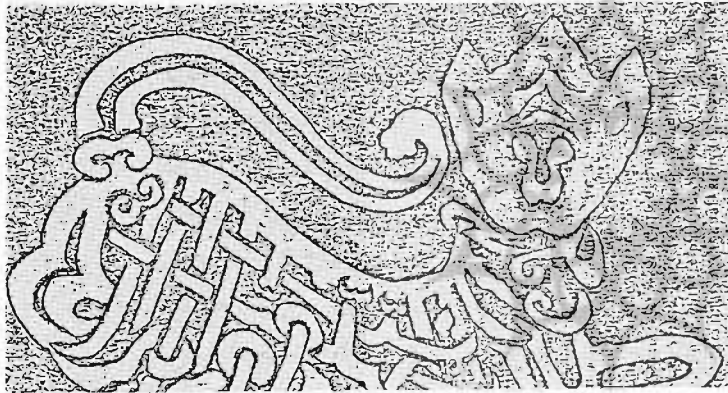
حضرت حمزه فسنوری را سفیر این سلسله روحانیون در مجمع الجزائر اندونزی می شناسند. گفته می شود که این سلسله روحانیون با منصور حلاج ایرانی در ارتباط بوده است.

بعدها، در بین این دو گروه یعنی «وحدة الوجود» و «وحدة الشهود» اختلاف زیادی در آچیه نمودار شد. سیاست گروه های سنی و شیعه تا مدت زیادی در سلطنت های اسلامی در اندونزی (سوماترا) در قدرت آنها بود.

شیخ شمس الدین سوماترانی در زمان سلطان علاء الدین رعایت شاه، قاضی بزرگ بود و در زمان سلطان اسکندر مودا (جوان) در سال ۱۶۰۷-۱۶۳۷م. به کار خود ادامه داد. بعد از رحلت شیخ شمس الدین سوماترانی، شیخ نورالدین اررانیری که از سلسله «وحدة الشهود» بود قاضی بزرگ آچیه شد. آن زمان دوران سلطنت سلطان مغایت شاه اسکندر ثانی بود. در این زمان هم بار دیگر اختلافات شدید بین «وحدة الوجود» و «وحدة الشهود» نمودار شد. که

وحدت الوجود پیرو شیعیان بود، و وحدت الشهود پیرو مذهب سنی بود.

در زمان فرمانروایی یک زن در آچیه، به نام سلطانه صفیه الدین جوهان شاه بر دولت (۱۶۴۱-۱۶۷۵م). اختلافات وحدت الوجود و وحدت الشهود بار دیگر شعله ور شد. سلطانه صفیه الدین پیرو وحدت الشهود بود و از گروه وحدت الوجود که پیرو مذهب شیعیان بودند ناراحت بود. ناراحتی به این علت بود که، گروه وحدت الوجود که پیرو مذهب شیعیان بودند فتوی دادند که در اسلام فرمانروایی برای زنان جایز نیست. این فتوی برای سلطنت سلطانه خطر بزرگی بود. او از قاضی بزرگ حضرت نورالدین اررانیری خواست که بر علیه فتوی وحدت الوجود حکمی دهد. نورالدین اررانیری فتوی داد که در اسلام مرد و زن حقوق مساوی دارند. به این علت سلطانه حق دارد که



شیرغنی (رخ) در پرچم سلطنت اسلامی جری بون - جاوا غربی

پادشاهی کند. مزید بر آن نورالدین فتوی داد که سلسله روحانیون «وحدة الوجود» غیر قانونی است، و همه پیروان این سلسله واجب القتل هستند. بعد از این فتوی، سلطانه علیه روحانیون و حدة الوجود اقدامات سختی آغاز نمود. سلسله روحانیون و حدة الوجود غیر قانونی اعلام شد و حکم صادر شد که پیروان این سلسله را بکشند.

همه پیروان «وحدة الوجود» به جنگل فرار کردند ولی کتابها و مواد تبلیغ آنها سوزانده شد. بیشتر نوشته های حمزه فسنوری و شمس الدین سوماترانی ممنوع اعلام شد و داشتن این نوشته ها، جرم بزرگی محسوب می شد. در این میان پیروان وحدة الوجود از عصبانیت، کاخ سلطنت سلطانه را به آتش کشیدند که چون این کاخ متصل به مسجد بزرگ یعنی «مسجد بیت الرحمن» و دار الانشاء دولت با نام «بالایی محکمه رعیت» بود، همه آنها سوخت.

در سلطنت اسلامی «پاسی» در سوماترا، در زمان پادشاهی سلطانه نهراسیه در سال ۱۴۰۱-۱۴۲۸م، سلسله روحانیون و حدة الوجود تأثیر زیادی داشت. در این زمان یک دانشمند بزرگ این سلسله حضرت عبدالجلیل به جاوه فرستاده شد. گفته می شود که این شیخ در جاوه به نام «شیخ ستی خبار» شناخته می شد. او در جاوه، در سلطنت اسلامی چری بون و حدة الوجود را بنا نهاد و گسترش داد و تبلیغات و حدة الوجود را همانند منصور حلاج ادامه داد و صدای انالحق را بلند کرد. در سلطنت اسلامی چری بون، فرمانروا و اولیاء کرام از بیم خطر شیخ ستی خبار، فتوی به قتل او دادند. و این صوفی مثل حلاج به شهادت رسید و حلاج جاوه نام گرفت.

اثر مهم دیگر ایران در اندونزی این بود که اکثر فرمانروایان اندونزی القاب ایرانی مثل ملک، شاه، و سلطان را به کار بردند. قبل از زمان مستعمراتی هالندی در اندونزی، در سلطنت سلامی چری بون پرچمی داشتند که بر آن شیرعلی نقش بندی شده بود. که در زبان محلی «ماچن علی» گفته می شود. این همه حاکی از آن است که تأثیر عمیق ایرانیان در فرهنگ اندونزی تا چه اندازه بود.

در دربارهای سلاطین «مالاکا» هم آثار ایرانی زیاد بچشم می خورد. مردم «مالاکا» یک نوع کلاه بر سر می گذاشتند که نامش «دستار» بود که همانند کلاه در ایران قدیم بود. کاخ رسمی سلطان را «آستانه» می نامیدند که از زبان فارسی گرفته شده بود. مهر اداری «چپ مهر» نامیده می شد. بیشتر تاجران ایرانی که به «مالاکا» آمدند، از خراسان بودند.

آثار ایران در ادبیات اندونزی

تأثیر مهم ایران در فرهنگ اندونزی در زمینه ادبیات می باشد. تأثیر سلسله روحانیون اندونزی از روحانیون ایران مثل منصور حلاج، جنید بغدادی، جلال الدین مولوی، شمس تبریزی، جامی، حافظ، سعدی، امام محمد غزالی، و دیگران خیلی زیاد بوده است. بیشتر ادبیات پازینه ایران در زبان اندونزی ترجمه شده است. ادبیات فارسی برای پادشاهان این منطقه مطلبی جالب بوده است. در کتاب «سجارا ملایو» یعنی تاریخ ملایو که قدیم ترین کتاب این منطقه است، نویسنده آن، عبدالله منشی، حکایت می کند که پادشاه مالاکا محمدشاه از سلسله خانواده اسکندر مقدونی بود و چون

انوشیروان مشهور به عادل بود. در این کتاب بیشتر اقوال و گفته ها و امثال پادشاهان ایرانی نقل شده است. مثلاً کتاب سجارا ملایو صفحه ۱۸۶ یک ضرب المثل مشهور فارسی از قول اردشیر بابکان و دیگران نقل شده است که از گلستان سعدی می باشد. این مثل را سلطان مالاکا سلطان منصور شاه در نصیحت به فرزندش شاهزاده حسین قبل از مرگ خود به وی گفته بود:

رعیت چون [چو] بیخ اند و سلطان درخت

یعنی مردم مثل ریشه اند و سلطان مثل درخت. وی به شاهزاده گفت که اگر درخت ریشه نداشته باشد نمی تواند دوام پیدا کند. به این جهت پادشاه باید همیشه در پی رفاه مردم خود باشد. اگر پادشاهی را برای مدت طولانی می خواهی! ای فرزند! براین نصیحت من عمل کن که تو به لطف و یاری خداوند پیروز خواهی شد. بعد از شنیدن این نصیحت شاهزاده عمیقاً به گریه افتاد. و بعد از آن منصور شاه فوت کرد. این مثال حاکی از آن است که چگونه پادشاهان مالاکا عمیقاً به ادبیات فارسی و فرهنگ ایران علاقه داشتند. واژه های بندری: شاه بندر و ناخدا، از قرن ها تا به امروز در ناحیه های بندری و تمام مجمع الجزایر اندونزی و ملایا به کار برده می شود. نقل است یکی از نویسندگان ایتالیایی به نام «باوسانی» (Bausani) که واژه های فارسی که در زبان اندونزی نفوذ کرده اند را بررسی کرده، گفته ۹۰ درصد اسمهای جامد هستند و ۱۰ درصد اسمهای معنی صفت می باشند.

اولین و بزرگترین صوفی و شاعر زبان اندونزی حضرت حمزه فسوری در آچیه تولد یافت و در زمان سلطان علاءالدین رعیت شاه (۱۵۸۹-۱۶۰۴م) می زیست. او زبان عربی و فارسی را کاملاً می دانست. بنابراین او به زبان های اندونزی، جاوه، اردو، فارسی و عربی با آسانی سخن می گفت. وی تمام علوم انسانی را فراخوانده بود و در دسترس خود داشت. او پیرو سلسله روحانیون «وحدة الوجود» بود. او آثار زیادی از صوفیان و دانشمندان و عالمان ایرانی در دسترس خود داشت. در شعر وی آثار شاعران و متفکران ایران همچون شیخ عبدالقادر جیلانی، حلاج، جنید، مولوی، جامی، جیلی، بسطامی، شمس تبریزی، حکیم عمرخیم، عطار، شاه نعمت الله ولی، الغزالی، مسعودی و دیگران خیلی آشکار بچشم می خورد. او فارسی

رابخوبی یاد گرفته بود، ممکن است او فارسی را در شهرنوی در تایلند و یا در ایران یاد گرفته باشد. حمزه فسوری در سال ۱۶۰۷م. از این جهان چشم فرو بست. او در یکی از اشعار خود می گوید:

حمزه اصلاً از فسور است، وجود در شهرنوی داشت

او نه عجمی است و نه عربی ولی وصل به باقی دارد
از نظر دکتر پروفیسور نجیب العطاس، حمزه فسوری بخوبی فارسی می دانست و می نوشت. علاوه بر شعر، حمزه نثر هم می نوشت. کتابهای وی به ترتیب به این نام ها می باشند:

۱- اسرار العارفین (به نثر)

۲- شراب العاشقین (به نثر)

۳- المنتهی (به نثر)

۴- رباعیات حمزه فسوری (به شعر)

در نوشته های وی بیشتر منابع و امثال از قرآن کریم، حدیث شریف، از زبان عربی و فارسی می باشد. در کتاب شراب العاشقین دو ضرب المثل از زبان فارسی به کار برده است. کتاب المنتهی انعکاس افکار امام محمد غزالی از مشکات الانوار است. در اسرار العارفین ۶ اصطلاح فارسی و در المنتهی ۲۰ ضرب المثل فارسی به کار برده است. در کلام وی واژه های فارسی مثل بندر، لشکر، صراحی، و دیگر الفاظ به آسانی بچشم می خورد. در گروه سوم شعر حمزه فسوری (۲۱-۲۳) تصویر مشاوری طائران از منطق الطیر عطار بچشم می خورد. در این نظم حمزه فسوری مسافرت سی پرنده سوی سیمرغ را نشان می دهد. در المنتهی هم اثر منطق الطیر عطار نمایان است. در گروه دوم شعر حمزه فسوری از راه تصوف درباره نور محمد از نظر تصوف شیعیان سخن گفته شده است.

در شعر و نثر حمزه فسوری تأثیر «گلشن راز» نوشته صوفی ایرانی شیخ سعدالدین شبستری بچشم می خورد. در شراب العاشقین تأثیر لواطیج از عبدالرحمن جامی به وضوح دیده می شود. او در کتاب المنتهی برای اظهار وجود باری تعالی و انسان از افکار جنید، عراقی و ابن عربی، و از قرآن مدد گرفته است. بعد از این او تمام افکار جامی را که در کتاب لواطیج می باشد بیان نموده است. مثلاً لواطیج جامی قطعه ۲۲ صفحه ۳۸، مفهوم این طور است:

در جوار در دوست، در همسفران، او را می بینم

در لباس کهنه درویش، در لباس فاخر شاه
در وصل و در هجران هیچکس دیگر نیست مگر او
یک بررسی عمیق در کلام فسوری نشان می دهد که تأثیر عمیق او از جامی، عراقی، شبلی، عطار، شاه نعمت الله ولی، جلیلی، مولوی و دیگر صوفیان ایران به چه اندازه است. عقیده حمزه فسوری درباره روح انسانی مطابق با نظریه جلال الدین مولوی می باشد. افکار حمزه در زمینه آرزو، عمل و عامل کاملاً متمایل به افکار غزالی است. نظریه رضا در افکار فسوری متمایل با افکار گروه صوفیان خراسان می باشد.

با ورود اسلام در این ناحیه اثر ادبیات عرب و فارسی بیشتر شد. در زمان قدیم رسم الخط جاوه که «جاوی» نامیده می شد، آمیخته با زبان عربی و فارسی بود اثر ادبیات فارسی در ادب کهنه اندونزی خیلی زیاد می باشد. اثر شیعیان در دعاء ملایو «جامپی منتسرا» که برای دفع بلا و بیماری خوانده می شود نیز به چشم می خورد. مردم مالزی (ملایو) می گویند: «برای سلامتی من اسامی پنج تن آل عبا کافی می باشد». در حکایات مالایا حضرت علی و فرزند گرامی شان حضرت محمد حنفیه را سمبل قهرمانی، شجاعت و زورمندی می شناسند.

در حکایات اندونزی، و در ادبیات اندونزی آثار فارسی خیلی زیاد می باشد گفته می شود که در زبان اندونزی ۳۰۰ واژه فارسی رایج اند. بیشتر این واژه ها بندری و تجاری می باشند مثل بازار، گندم، کشمش، ناخدا، خواجه، سوداگر و غیره. در زبان اندونزی فعل التزامی «Sudah» از مصدر فارسی «شدن» گرفته شده است که در معنی «تمام شد» می باشد. در رومان های اندونزی واژه های فارسی بیشتر به کار برده شده است. هم چون آستانه، دیوان، لشکر، شاه بندر، نوبت و غیره. واژه های موسیقی ایران مثلاً رباب و نفیر هم در زبان اندونزی به کار برده می شود.

یک فهرست مطالب طولانی از ادبیات ایران یا فارسی که در زبان اندونزی ترجمه شده است. «حکایت ناخدا» که درباره پادشاه غزنه است. از زبان فارسی به اندونزی ترجمه شده است. «کتاب هزار مسائل» «حکایت اصلاح موی سر رسول» «حکایت امیر حمزه» «حکایت محمد حنفیه» مستقیماً از زبان فارسی به زبان اندونزی ترجمه شده است. «حکایت بیان بودی مان» ماخذ از حکایت فارسی «طوطی

Attar, Fariduddin, **Musyawah Burung** (Mantiq al Tyre), Jakarta, 1983.

Bakhtiar Nameh.

Baloch, N. A. Dr. **Advent of Islam in Indonesia**, National Institute of Historical Research Islamabad, 1980.

Brakel, L. F. **Persian Influence on Malay Literature**, Abr Nahram, Vol. 9, Tehran, 1969-70.

Brown, E. G. A **Literary History of Persia**, 7 Vols. Cambridge, 1928.

Doa Kumail.

Drewes, G. W. J. and L. F. Brakel, **The Poems of Hamzah Fansuri**, Holland, 1968.

Edrus, A. H. **Persuratan Melayu II**, Singapore, 1960.

Encyclopedia of Islam.

Fansuri, Hamzah. **Sharab al Ashiqin.**

----- **Asrar al Arifin**

----- **Muntahi.**

Frey, Stenger Katherine, **Journey to the Land of Goddess**, Gramedia, Jakarta, 1985.

Furnival, J. S **Netherland India**, Cambridge Unoversity Press, 1967.

Graf, H. J. Dr. **Runtuhnya Istana Mataram** (Fall of Mataram Kingdom), Grafitipers, Jakarta, 1987.

Hall, D. G. E. **A History of Southeast Asia**, MacMillan, London, 1977.

Hamka, Prof. Dr. **Sejarah Umat Islam IV** (History of Islam Vol IV About Indonesia), Bulan Bintang, Jakarta, 1981.

Hamid, Ismail, Dr., **Kesusastran Indonesia Bercorak Islam**, (Islamic Literature of Indonesia), Jakarta, 1989.

Hasan, Ahmad Rifai, **Warisan Intellectual Islam**, (Islamic Intellectual Heritage), Mizan Bandung, 1987.

Hasjmy, A. Prof., **Kebudayaan Aceh dalam Sejarah** (Achehenese Culture in History), Jakarta, 1983

----- **Syiah dan Ahlussunnah Di Nusantara** (Sh'rah and Ahlussunnah in Indonesia)

Hass, W. S., **Iran**, New York, 1946.

Herleld, E., **Archaeological History of Iran**, London, 1935

----- **Iran in the Ancient East**, London, 1941.

Hikayat Abu Yazid Al Bistami, Kual Lumpur.

Hikayat Ali, Jakarta.

Hikayat Muhammad SAW, Jakarta.

Hikayat Nabi (SAW) Jakarta.

Hikayat Amir Hamzah, Lieden, E. J. Brill, 1985.

Hikayat Muhammad Hanafiah, Jakarta.

نامه» است. «حکایت یوسف» هم از زبان فارسی به زبان آندونزی ترجمه شده است. در کتابهای تاج السلاطین و بستان السلاطین که در زبان آندونزی می باشند اثر فارسی یعنی روش تالیف فارسی به کار برده شده است. «حکایت آچیه» که درباره سلاطین آچیه است هم براساس روش کتابهای فارسی است. «حکایت وفات نبی» ترجمه از فارسی «وفات نامه» می باشد. «رساله قانون ملایو» که درباره قانون اساسی پادشاهان ملایا است روی روش «تاریخ طاهری» که از مغولان هند در زبان فارسی بود، بچشم می خورد. «حکایت نورمحمد» واقعه کربلا را به روش صوفیان ایران بیان می کند. «حکایت کلیله و دمنه» از زبان فارسی به زبان آندونزی ترجمه شده است. کتاب «تاج السلاطین» در سال ۱۶۰۳م از زبان فارسی ترجمه شده است. «حکایت سلمان فارسی» و «حکایت علی»، «حکایت فاطمه» هم از فارسی به زبان آندونزی ترجمه شده است. روش شعر فارسی مثال غزل، رباعی و نظم در شعر و نظم آندونزی به وفور یافت می شود.

بعد از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹م موج تازه ای از افکار امام خمینی، مرتضی مطهری، علامه طباطبائی، دکتر شریعتی و دیگران اثر عمیق در افکار شاعران و متفکران آندونزی به جای گذاشته است. متفکران و شاعران امام خمینی را رهبر و نجات دهنده انسانیت در این زمان می شناسند.

*** **

منابع تحقیق

SELECTED BIBLIOGRAPHY

Abdullah, Munshi, **Sejarah Melayu (Malay Annals)**, Jambatan, Jakarta, 1958.

Aceh, Aboebakar, Prof. Dr. **Aliran Syiah di Nusantara** (shiah in Indonesia), Jakarta, 1977.

AL- Attas, Prof. Dr. syed Muhammad Naguib, **The Mysticism of Hamzah Fansuri**, University of Malaya, Kuala Lumpur, 1970.

AL- Shirazi, Sadiq al-Hussan, **Ahlul Bait Fil Quran**, Tehran, 1977

Amran, Rusli, **sumatra Barat Hingga Plakat Panjan**, Sinar Harapan, Jakarta 1981.

Arberry, A. J. **The Legacy of Persia**, Oxfors University press, London, 1968.

----- **Sufism**, London, 1950.

Sumur. Bandung, 1960.

Sykes, Sir, P.M., **History of Persia**, 2 Vols., London, 1930.

Taj as Salatin, Aceh.

Van Leur, J. L., **Indonesia Trade and Society**, Sumur, Bandung, 1960.

W. Arnold Thomas, **The Preaching of Islam**, Jakarta, 1981. (Indonesian Translation).

----- **Legacy of Islam**, Oxford, 1931.

Wilson, Sir A. T., **A Bibliography of Persia**, Oxford, 1930.

W. M. Abdul Hadi, **Sastra Sufo (Sufi Literature)**, Pustaka Firdus, Jakarta, 1985.

Yunus, Muhammad Prof., **Sejarah Islam di Minangkabau (Islamic History of Minangkabau)**, Jakarta, 1971.

----- **Sejarah Pendidikan Islam (History of Islamic Education)**, Mutiara, Jakarta, 1979.

اطلاعات شخصی



نام محمد ظفر اقبال
 جای تولد و تاریخ ۶ بهاولنگر ۱۹۵۷
 کشور و قومیت پاکستان
 مذهب اسلام
 زبان مادری پنجابی
 زبان ملی اردو
 زبان های که میتوان گفت و گو کرد انگلیسی، فارسی،
 اندونزی، عربی
 آدرس مستقل چک بزم ۳۸، بهاولنگر، پاکستان
 آدرس در اندونزی ASPA IAIN NO.2, CIPUTAT
 JAKARTA-SELATAN, INDONESIA

تعلیم

- دکتراندرس در تاریخ و ثقافت اسلامی
 - ایم - ای اردو
 - بی - ای علوم انسانی
 - دیپلوم در زبان فارسی
 - دیپلوم در زبان انگلیزی
 - دیپلوم در زبان اندونزی
 - دکتراندرس در تاریخ و هدایت الله جاکارتا - اندونزی (۱۹۸۵)
 - جامعه اسلامی بهاولپور پاکستان (۱۹۸۳)
 - دانشگاه پنجاب لاهور پاکستان (۱۹۷۹)
 - مؤسسه ملی برای زمانهای نوین، دانشگاه قائد اعظم اسلام آباد (۱۹۷۸)
 - جامعه اسلامی سنن کمالی جاکا، جنگ جگارتا، اندونزی
 - دانشگاه گاجاماداجوگ جگارتا اندونزی (۱۹۸۱)

تجربه کار

- مدیر مسئول و مترجم - محله اکنامکس - جاکارتا (۱۹۸۴-۱۹۸۶)
 - استادیار فارسی - دانشکده ادبیات، جامعه اسلامی حکومتیه شریف هدایت الله، جگارتا از ۱۹۸۸ تا هنوز

مقاله جات

۱- اسلام در جاکارتا
 ۲- اسلام در غرب (اروپا)
 ۳- محمد علمی جناح و تأسیس پاکستان
 ۴- فارسی زبان اسلام است
 ۵- اسلام و سانس
 ۶- ورود اسلام در اندونزی - و دیگر

Hikayat Salman Farsi.

Hurgronje, Snouck, **Aceh di Mata Klonilis (Aceh in the Eyes of the Colonialists)**, Jakarta, 1985.

Ibrahim, Ahmad, **Islam di Asia Tenggara (Islam in Southeast Asia)** LP3 ES, Jakarta, 1989.

Ismail, Ibrahim Engku, Dr., **pengaruh Syiah-Parsi Dalam Sastra Melayu (syiah-Persian Influence in Malay Literature)**, Aceh, 1988.

Jami, Abdur Rahman, **Lawaih (English Translation)**, London.

Jamil, Yunus M., **Tawarikh Raja- Raja Kerajaan Aceh (History of the Kings of the Aceh Kingdom)**.

Mansoer, M. D. Drs., **sejarah Minangkabau (Minangkabau History)**, 1970.

Nayer Nouri, A. H., **Irans Contribution to the World Civilization**, Ministry of Education and Arts, Tehran.

Nicholson, Clara Kibby, **The Introduction of Islam into Sumatra and Java: A Study in Cultural Change**, Syracuse University, U.S.A., 1975.

Olmstead, A.E. **History of the persian Empire**, Ghicayo, 1948.

Poesponegoro, Mowarti Djoned (ed.) **Sejarah Nasional III (National History of Indonesia III)**, Jakarta, 1982.

Pope, A. U. (ed.), **A Survey of Persian Art**, 6 Vols., Oxfors, 1939.

Rostoutzeff, M., **Iranian and Greeks in South Russia**, Axford, 1922.

Rumi, Jalaluddin, **Mathnawi Manawi**.

Salyawati Suleiman, **Research on Sirivijaya Arts and History**, P&K, Jakarta, 1981.

Shabana, S. T. Ali, Prof. Dr., **Puisi Lama (Old Poetry of Indonesia)** Malaysia, 1977.

Sejarah Daerah (Local History) Maluku, P&K, Jakarta, 1978.

Sejarah Daerah Jawa Barat (History of Western Java).

Sejarah Daerah Jawa Timur (History of Eastern Java).

Sejarah Daerah Jawa Tengah (History of Central Java).

Sejarah Daerah Sumatra Barat History of Western Sumatra.

Sejarah Riau (History of Riau).

Simandjuntak, S., **Kesusastraan Indonesia**, Jakarta, 1971.

Stein, Sir, A., **Inner - most Asia**, 2 Vols., Oxford, 1932.

Solihin Salam **Sejarah Islam di Java (Islamic History of Java)**, Djajamurni, Jakarta.

Story, C, A, **Persian Literature**, London, 1927.

Shreike, B., **Indonesian Sociological Studies**,